

جای اداره: طهران خیابان لاله زار

سازشده به امر و نظارت دولت

سازشده به امر و نظارت دولت

ماده شماره روزهای یکشنبه، سه شنبه، پنجشنبه، دوشنبه، چهارشنبه یک شماره ۸ شامی - بعد از یک هفته بقران است

زبان آزاد

وجه روزنامه هم با قبلاً گرفته میشود

دوره هفتاد و دو شماره

اعلامات با حروف ۱۸ و ۲۰ هر سطر:

صفحه اول ۳ فران
صفحه دوم و سوم ۲ فران
صفحه چهارم ۱ فران
تخصیص اجرت لایح خصوصی با اداره است

آیا تو میم صورت میگیری؟ مشکل!

در عقب اعمال کارهای که در وزارت مایه، بانک طرز لایقانه، اشکار اشکار، روشن روشن نمایان روز بدیع، و تا عصر آشنایی و شگفتی ما، اعمال شد!

در عقب سستی ما و عدم جدیت ما که در برابر افکار عمومی بدل آمده و از نمرج و مرج و سوء اخلاق نامدی در بار و رواج یافت پس از آنکه ایثار دولت، از جنس اساله همان جنسی که هنوز هم در میانها علی رغم کلیه این فعلی را طبیعی میدانند، روی هم غلبه و برزق سرغان و موشان معرف میشود، بی مله، و ایثار های محکرمین بر گرفته است!

و بالاخره در نتیجه عدم یسرت امور اداره و حکم مادن ایالات و ولایات، و از پیش رفتن یکبار و عقبه نشدن یک زبانه سیاسی، و متوقف شدن یکی از عوایدی که متمم بودن آن عواید امروزه سرلوحه رسوائی و تقویت دیگران محسوب میشود - در بیان این سامان، و درین غروب موحتش، که مطمین مجریان امور از بیم بحران و از خوف پاره شدن اینکشم شریان کاینه - تمناهای ترمیم کاینه را شایع و از طرف ذات ملوکاه این تصمیم اتخاذ، و از طرف خود کاینه نیز حسن تلقی میگردد، یکباره دیده شد که: کاین ترمیم فعلی نیست...

هر کس اختیارات این چند روزه، و موقعیت این اختیارات و مذاکراتی که از خارج و داخل شایع شده و بلا قاسله عین آن مذاکرات صورت خارجی یافته است، دست با هم ربط داده باشد - خواهد دانست که ترمیم صورت نخواهد پذیرفت!

ما بشانزاده عین الدوله، و قوام السلطنه که دربار، ما نمی گوئیم، که شاهزاده عین الدوله از آقای مستشار الدوله بهتر می تواند وزارت داخله را اداره نماید و با قوام السلطنه یک مرد فغان و پشت کار داری است، ما نمی گوئیم، در صحنه تقید و بد گوئی و هر مرضی که بنا باشد، مردم فغان داد و سوابق اشخاص را گفت همه در پیش مرض بود و در آن آمیزی های محیط لایق آن نیست که هویت کسی را عوض کرده و ما بگوئیم فراموش کنید - یا این یکی را نگویید، و آن یکی را دو برابر بگوئید.

بلکه ما این را می گوئیم که: یک کاینه اگر برای دخول یکی در عضو خارج حاضر است، چرا دیگر باین لیت و لعل ما و لعل ما وقت خود و مملکت را بپیورده تلف کرده و از یک طرف تصمیم ذات ملوکاه را تصویب و از طرف دیگر روش دیگری را که یکی مخالف با ترمیم است اتخاذ می نماید، و اگر برای دخول اعضای دیگر حاضر نیست، و صلاح نمیداند که دیگری پشت یک میز نشسته و یا عدم تعالی او را از قبول چنین تکلیفی باز میدارد، دیگر چه علت دارد، که از روز اول زیر چنین بادی

اوضاع داخله

هیچ حزب و جمیتی طرفدار این دولت نازده نبوده، و حتی ما که این سطور را می نگاریم، یقین داشته و داریم، که کار کردن آقایان مستشار الدوله و ممتاز الدوله و آقای نصر الملک یا بعضی اشخاص غیر ممکن است - ادا بین شاهزاده عین الدوله یا آقای قوام السلطنه یا آقایان فوق الذکر، فعلاً تجالی موجود نیست، مگر سکت و دیم فقط معجزات در قبال تصمیم شاه و خود کاینه اظهار عقیده کرده باشیم.

و تصور میکردیم که موقعیت مملکت، و تیرگی اوضاع قدری چشم ها را باز کرده و هجوم بدعتهی مشربها را وسیع نموده، و راستی راستی بعضی گذشت ها را بعضی تولید شده و آقایان عزم کرده اند، که چندی برای مملکت نه برای خودشان جداً مشغول کار شوند.

حالا بر ما معلوم شد، که تقریباً ترمیم صورت پذیر نیست، نه بدلول این دو نازده جدید، و نه بدلول هیچ عضو نازده و حتی این کاینه اعضای متجانس ری را هم (محصراً در بست داخله) بازی نخواهد رفت - در این صورت باز همان چیزی که چندی قبل نوشتیم می وینیم که: حاله آقایان مایل ترمیم نیستند، خوش باشند، و مشغول کار خود شوند، اگر توانستند کار کتنه چه بهتر، کورچه خواهد عجز دو دیده روشن - و در صورتی که خدای نکرده کار ها خراب تر و بدتر شد، آقوت نه ما، بلکه همان عناصری که مالدست خود را با قلم بدح، تا حرکت میدهند، و عالمی را در ساحت قضایای ترمیم، لازم الاحتیاط میشارند، زحمت کشیده و از بیچاره (کوک ایران) هم قدری شد تر عرض عقیده خواهند کرد!

فقط عیب بزرگ در اینجا است که: مملکت ما توانای این وقته های اداری را پیش از این ندارد، و با این چنین مملکتی تجشود پیش از این شوشی و بازی کرد، این است که گذشته از همه چیز، و بدون اتفاق، آقای رئیس الوزرا را متذکر شده و میگوئیم: کسی با شما و کاینه شما حرفی ندارد، فقط بگردد است که تکلیف این مملکت را زودتر مهین کنید، یا با همین وزرا بدون دخول یک عضو نازده در نهایت ثبات و با یک متی جدی روی مشغول کار شوید، و با بدون ذره لعل و با نهایت شجاعت بدون پذیرفتن یک کلمه حرف، از خود دفع مسئولیت فرمائید و نگذارید، علاوه بر مسئولیت های اداری که ازین وقته ها به ضررت متوجه شده است، بیکرشته مسئولیت های سنگین وجدانی نیز، در سایه عملیات بعضی اشخاص متوجه آند وجود شریف کرد، و مملکت در سایه این لایقایی ها بیش ازین دچار مرج و مرج شده و باز از سر نو بازار فحش و هتاک و قیل و قال رواج باید آری، ما حالا دیگر ترمیم کاینه عقیده نداریم، زیرا بر ما مثل آداب روشن شد که بعضی از وزرای مایل خواهند عضوی از خارج داخل کاینه شود - و اگر هم با سارا فادات ملوکاه اعضای نازده داخل کاینه شوند، بی فایده بوده کاری از پیش نخواهد رفت، زیرا تراشاند اینگونه روزه مطالبی را بر ما مکتوف گردانیده است - این است که تکرار نموده و بقی کاینه با سقوط کاینه را مشکل میدانیم!

تعطیل

تناسبت پیش آمد ایام ششورا و قیام مراسم عزاداری و سوگداری، این روزنامه تعطیل و در روز پنجشنبه ۱۴ محرم الحرام منتشر خواهد گشت ولی در این ضمن اوضاع مهم داخلی و خارجی و اعلامات وارده را بواسیله فوق العاده بنظر قارئین محترم خواهد رسانید

ماموریت محمود غرب حاصل کرده و مصمم حرکت مستند آقای دبیر الملک حکمران دارالخلافه تقویض مقام مملکت حکمران خود را برای ساعدالسلطان بمقامت مربوطه پیشنهاد کرده است.

پیشکاری مایه اصفهان

در حسب پیشنهاد خزانه داری کی و تصویب وزارت مایه میرزا اسمعیل خان پیشکار مایه اصفهان از شغل خود منتقل و بمركز احضار گردیده و برای پیشکاری مایه اصفهان بجای مشارالیه آقای مهندس الملک انتخاب و منصوب گردیده فرمان و احکام رسمی ایشان فرستاد صدور و انجام است.

تقاضای تشکیل عدلیه

حکومت سیستان و قزاقان تلگرافاً بشوهرت وزارت داخله نظر بترمیم تشکیل قوه قضائیه و رسیدن بامر حقوق و دعوی متزاکه از اولیای امور قضائیه آمیس و تشکیل عدلیه را برای سیستان نموده و عطف توجه دولت را در موضوع اعزام رئیس عدلیه قاضی استعلام کرده است.

تلگراف اهالی کرمان

تلگراف مشروح و دارای اشخاصی کثیری از طبقات مختلفه و مبارف کرمان بمقامت عالیه بخاره شده که شرحی از طرف رتقار شاهزاده نصر السلطنه شاک و تنظیم کرده اند و استماعا مینایند حالیه که خود ممیزی ایبه بحضور ملوکاه استخای خود را مروض داشته بر قبول آن اهالی کرمانا متشکر سازند.

برای انتظام

نظر بلزوم رعایت حفظ انتظام و مراقبت در ایام عزاداری از حیث اجتماعات در مجالس و تکایا و مراقبت عبود و مرور دستجات و سینه زنها از هر طبقه تعلیمات لازم، از طرف اولیای دوائر مربوطه صادر شده که کالاً در این ایام مراقبت نامه بعمل آید و ایام عزاداری در کال آرامش و انتظام پایان رسد و برای یسرت این مقصود از طرف اداره نظیه تاکید بیکساریا مامورین مخصوص خود شده و مامورین و مستحقین مخصوص بعمل های لازمه اعزام خواهد شد و بر عده مامورین در قسایط لازم از قیل بازار ها و تکایا و محلات افزوده میشود و نیز از طرف وزارت جنگ بدوائر نظای مخصوصاً قزاق خانه و یونکاد و غیره دستور داده شده که برای پیش بینی و جلوگیری از حدوث اختلافات بین افراد مامورین کشته، چند دسته گشتی تهیه داده شود.

تقاضای تأمین

بلوریکه از کرمانشاه اطلاع داده اند اخیراً پنج تن نفر از رؤسای سبلاخور که در موقع مهاجرت با مهاجرین حرکت کرده و در حدود عثمان بوده اند اخیراً بمشاورت کرمانشاهان آمده و بتوسط معتمد الملک کارگذار و قبیل فعلی امور حکومت تقاضای تأمین و استیجاره حرکت برای اوطان خود نموده اند.

در حدود قصر شیرین بلور خصوصی اطلاع میرسد که یکصد مار قوای عثمانی که تعداد آنها به ۳۵۰ نفر بالغ میشود در حدود قصر شیرین متوقف میباشد. توقف در همدان

خبر تلگرافی همدان که روز گذشته واصل شده حاکی است که نظام السلطان با اردوی خود در همدان متوقف و بواسطه گران فوق العاده و هاراج زیادی که دارد در توقف همدان دچار محذور واقع شده از روزی و بعضی رؤسای ایلات اخیراً مراسلات و نوشتهجات ایشان می رسد چون تکلیف خود را نمی دانند و از طرف دولت هم پس از ورود به همدان دستوری بمنابر گذرانده است تا دیر اسرار معاون حکومت کردستان که در مهت ایشان وارد همدان شده بود بدو روز قبل از آنها حرکت و بطرف تهران روانه شدند.

قتل در زنجان از زنجان وایرت تلگرافی دو روز قبل مقرر است که حکومت خیمه صادم السلطان را که از کاشانگن اسیر افتاد است زنجان خواست و او را برای انتظام ایل افتاد و آخمود با استمداد لازم اعزام افتاد نموده از قرار خیرگی رسیده است صادم السلطان در شش فرسخی شهر پسر قاسم خان اصائلو را احضار کرده که آنها را مستگیر نمایند آنها نیز سبوق شده بنای تیر اندازی می شود در بین مصادمه صادم السلطان مقتول و میرزا جعفر رئیس نظمی سابق زنجان که همراه صادم السلطان بوده زخمی و مغزوف بپوت است.

اجتماع اهالی اخیراً از شاهرود خبر رسیده که اهالی شاهرود و باغ زخان در تکیه اجاج نموده و تصدشان خارج کردن رئیس عدلیه استاز

شهر و با حکومت آنها در این باب مشغول مذاکره و مکاتبه هستند تا نتیجه حاصل شود.

رفع اشتباه

برای جلوگیری از سوء تفاهمی که ممکن است از شرح مندرجه در شماره گذشته راجع بانظار عدم صلاحیت محکمه مطبوعات در اذعان تولید شود توضیحاً نگاشته می شود که مقصود ما از عبارت (چرا در حین توقیف آن جریده محکمه مطبوعات اظهار عدم صلاحیت خود را از این قبیل محاکمات نموده) نه این بوده است که قرار محکمه را برخلاف قانون و بی مورد تصور کرده و از قطع نظر اعتراض بر قرار مزبور آن شرح را نوشته ایم بلکه بالکن اظهار عدم صلاحیت محکمه مطبوعات را که موافق دستور صریح اصل هفتاد و نهم قانون اساسی است بوقوع نظر اعضای محکمه را در رعایت اصول قانونی سزاوار تحسین میدانیم ولی خوب است با بگویند چرا محکمه را بدون هیئت منصفه بطور ناقص تشکیل میدهند که مجبور بانظار عدم صلاحیت خود شوند

متعمد نبوده ایم! در شماره قبل ضمن تصحیح - متعمد السلطنته که اصل آن متعمد السلطنته است متعمداً نبوده بلکه اشتباه حروفین بوده است!

برای تعقیب سارقین اطلاع تلگرافی از بزد که اخیراً رسیده ایشار می دارد - که در شهر محمد افه تالی امنیت حاصل است سید الملک معاون حکومت پس از ورود همه روز و مشغول رسیدگی بامورات و مراتب انتظام متولد از قراو راوتیکه از ساقد رسیده سیصد نفر مزد بطرف خراسان رفته بودند اموال زیاد با هشت هزار گوسفند و پانصد شتر و سیصد الاغ و درایت بار مال التجاره مراجعت کرده و بطرف فارس میروند از طرف معاونان اطراف اطلاع داده شد که جلوگیری نمایند و مقتاد نفر سوار مختاری هم بطرف دهنه یافتی از شهر رفته که شاید از آنها جلوگیری و اموال سرقه مسترد گردد.

وایرت همدان دو شتن وایرت تلگرافی همدان که بمركز

ظاهر شده اطلاع می دهد که ۲۶۰ تومان پول امانه سربق زدگان آمد که امیر نظام و غیره داده اند نزد رئیس تلگرافخانه موجود است و منتظرند که سیصد تومان دیگر هم که وعده داده اند و هنوز رسیده و رسانند حواله نمایند.

روز قبل چهار مجلس زدگی از علماء و رؤسای دوائر دولتی همدان و غیره تشکیل داده لایحه منصل در تحت چندین ماده منبلی و آنکه در خصوص عدم مزاحمت مجامع و تحصیل اوزاق و تدارک امنیت حکومت و رؤسای دوائر چه تدبیر و اقدامی اتخاذ کرده اند.

کارگذار در خصوص خانه تهیه کرده با یک عده بروند منزل ژنرال بارانف و قرائی بگذارند - در باب مجلس گذشته شد دولت علیه جنس خاصه را برای آن شهر مخصوص داده اند اسباب تشکر شد - در خصوص امنیت گفته شد چون بتوسط امیر افتخار اینچندروزه مذاکرات زیاد شده قرار گذارده اند روزی ۳- خروار جنس بروسها بدهند نظماً روس و یورانچی ها در شهر و بیرون نه جنس بخرند و نه متعرض حال جنس بشوند مجدد بخود امیر افتخار مراجعه شود بلکه این عهد را بکنند و اقرار داد بوقوع اجرا گذارده شود - گندم خرواری ۴۵ تومان جو ۲۰ تومان است. چند مجلس در منزل امیر افتخار با حضور صاحب منصبان روس در باب قیمت جنس مذاکره شد که مطلقاً نرخ را خرواری ۲۰ تومان بگذارند و روسها واشی نشند.

تلگراف لنگرود دو روز قبل از لنگرود وایرت میدهند که با عدم تجار متحصن قرار است فردا در دارالحکومه مجلسی تشکیل داده دعوم حاضر شده نتیجه هر چه شد در وایرت بعد اطلاع میدهد. برج کهنه رام امروز از طرف حکومت مفتش آمده تمام انبار برج تبار را دیده از قرار یکی میگویند شنبلی فاسد شده فقراء از دیدن برنجها خلیل تنفر دارند برج تازه بقدری فراوان است که طربدار نداد.

از لنگرود - تجار از نقص خارج واز قرار معلوم برنج کرمانی سید حسین تاجر مجدد با تبار خود حمل مینمایند لیکن مال سارین معلوم نیست.

حوادث خارجی

اخبار و روایحه ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ اکتبر

عدلیات بحیره آلمان در بالتیک لندن - ۱۶ اکتبر - ابلاغیه بی بیروس میگوید یک زره پوش آلمانی در حوالی سولا سوند یک اسکادرون چهار طیاره روس را بمبارده کرده کشتی تریبل انداز موسوم به (گرام) را بشدت میوب نمود. بعدبوازمه چهار تریبل از سولا سوند بیرون کرده به اسکادرون طیاره ما حنک نزدیک توپهای گرام از کار افتاده دشمن از آن زده غوطه وور ساخت اسکناریت عملیات نجات یافتند با یک قایق تریبل خصم را غرق کردیم. سایر جہازات جنگی ما چون در معرکه لبرد حاضر شدند دشمن پشت کرده فریاد جہازات ما بر عملیات تپکو و قوای روحیه ملاحان مشاهدات می دهد. دیده بان اظهار می دارد که دو قایق تریبل خصم غرق و دو فروند نیز میوب و خراب گشته. دشمن مجدد قوای آماده یافته و قوتوسات خود را در جزیره اسل پیشرفت می دهد و کوشش می کند با طریهای سرل را که مدخل خلج ریگا را حفظ میناید بتصرف در آورد.

عامل آلمان در امریکا نیویورک - شخصی که خود را دویتاری می خواند اگر چه تصور نمی شود که اسم حقیقی او این باشد کوشش کرده است که اطلاعات نظامی و بحری تحصیل نماید و بدین جرم گرفتار شده است. مشار الیه از اعضاء سابق یکی از جہازات شد تحت البجری اتانوی است و مدتها در یکی از مراکز بحری ساحل اقیانوس اطلس کار می کرد. وزارت عدلیه گرفتاری او را خلیل مهم می داند و مشاور الیه را از حال آلمان تصور می نماید.

قوتوی شرف لاریه ژوز امروز در محکمه عالی لویید جرج صدر اعظم انگلستان از کیان جریده اکسپنچ تلگراف و جریده وست منستر کازت و جریده استاد دعوی شرف کرد. نمایندگان جراید مزبور عذرخواهی نموده و جریده را برداشتند. موضوع قضیه این بود که جریده اکسپنچ تلگراف - عبارتی بین مضمون اشاعت داده بود در روز ۲۴ سپتامبر که آسمان پیمانان آلمان لندن را بمبارده نمودند صدر اعظم

شوال نمایند - غیرت مذهبی من و دیانت حقیقی که در من سرشته است. در گذشته مرا از بی معاصی پرهیز داده و در آینه تیر پیرامون هیچ مصیبتی مجزاهم گشت - رشوه نگرفتم بوظیف و خوشنام خیانت نکرده ام. زور بار اجنبی نرفتم. دروغ نگفته ام. و این سنات و زبان از قبیل دروغگوئی، غیبت، تخریب، حاکم، بد دعوی، مردم آزادی، لجاجت، دورویی، غمازی، خیرکشی، پنهان بندی، گدائی، فداق، چاپلوسی، متصف نبوده و تا بحال با این معایب معرفی نشده ام.

عقیده ام در زانوشی این است که یک مرد و یک زن فقط - بی بیعت است که میخواهم در اختیار آن یک زن دقت کنم که فردا محتاج بتکرار آن نشوم - من هانقدر که بکرن را دو شوهر زشت میدهم، یک شوهر را بزنم زشت در نزد خودم فقط آید میباشم دیگران موافق دستور شرع امور آزادند ولی من غیر ممکن است. خودمرا حاضر نکسم. زیرا این راجع بقصد شخصی من است. و حق دارم پیش از یک زن نشنام. من زعمرا برای دو کار میخواهم. اول مشاهده دوم اداره کردن منزل - دوم

انگلستان همین که معلوم کرد که طیاران خصم بشهر لردیک می شوند از دویست تا ستره که عبارت شهری است بشارت پیلان طیاره رفت وکیل مدنی اظهار داشت که این طیاره و من نزدکی متوجه مقام لویید جرج کرده و او را بعین و ترس منسوب داشته و همسوا مفاد آن در قطعات شرقی لندن که بکار کران قورخانه و غیره تلفات و خسارات بسیار وارد آمده تا به سون پخشیده لویید جرج اظهار داشت که در عصر روز ۲۴ سپتامبر من بقتل را بر تنم و زیکویست بولون رقیب آلمانی و سایر ارکان حرب فرانسه مشغول گفتم. سدر اعظم اظهار داشت که اگر مضمون این طیاره فقط حمله بر شخص من بود البته محکمه عرض می نمود.

حرفی در امریکا کانساس - از بلاد آتزون - مجاور از نصف یکی از سلاح خنه های ژوک سوئی و چندین هزاره تلف شده اند. مبدأ آتش سوزنده محاکمه یک مدیر روزنامه

آسترفام - شوار مدیر جریده تنگراک بعد از ۶ مجلس محاکمه خلاص شده است موضوع قضیه این بود که مشار الیه دومی مقاله اظهار کرده بود که اولیای دول اروپایی سرکاری جمی مردم بی وجدان اند که دنیا را گرفتار جنگ کردند و چون نیم میرفت که این مسئله بری طرفی زبان وارد آورد گرفتار شد قطع رابطه

ابلاغیه بی بیروس می گوید - دشمنها را از استحکامات ساحل بست جزیره مون عقب راند و روابط بری ما بین مون و اصل را قطع کرد. روابط ما با توانی که در جزیره اسل داشته ایم بکلی قطع شده است. یک نفر دیده بان وایرت می دهد که یک کشتی زره پوش خصم روز جمعه به منطقه مین ها وارد شد. بعد از احتراق جہاز مزبور بطرف ساحل رفت و مقدمات دی معلوم نشده است.

تلفات کشتی در یک هفته اداره بحری اعلام میدارد که در عرض این هفته ۲۱۲۴ جہاز وارد و ۲۰۹۱ خروج شدند ۱۲ کشتی که بار گیر هر یک متجاوز از ۱۶۰۰ تن بود و ۶ کشتی که بار گیر

نشود. خاصه. و تکیه مطمئن شود که شوهری قهر نیست. خصایصی که میخواهم در زن من وجود داشته باشد: قریه نباشد. زیرا طبعاً از اشخاص قریه و لبنایکی - بانسی - کتو عطر ذوق و سقت استنشام می شود - ضعیف و غلب هم نباشد - از زلفی عصبانی می ترسم. زیرا خودم هم قدری عصبانی هستم. اگر چه ورزش شد عصبانی مرا از این منت خلاص نموده است. اما باز گمگام کند می شوم. بدین جهت زن فرق العاده عصبانی. ممکن است حفته بیکار لافاقت اوقات مرا تلف کند - به این معنی که لکنی از طرف او شروع ببلوغ و دهنم از او برودام. یک زن عصبانی. یعنی نیمه عصبانی و نیمه دعوی و خواص سینه پوست و خواص گندم کون یا سرخ پوست. کفایت است. که مبادی فیز بونی حسس مرا تلف نکند. بعد. سر او باید در خلای عصبانیت سایه زمان بزرگ و گردد باشد. بلا اقل پشانی او کشیده و بلند یا پهن و برجسته باشد. البته در زیر یک پیشانی بلنه باید ابروان باره

اعلان مزاجت

ما شوق بوده ام - بگماشاق عقیف و بی صدا - فقط محیط تهران این یکی را از من بکلی سلب نموده است. و میروم حالا امتحان کنم. و به چشم هنوز راضی میشوم که بیکبار دیگر کسی را بعد عشق دوست بخارم! خالی از معرفت. در همه جا بیستند. تا درجه خالی از قورم هم نبوده و شاید در آیه هم این قورم محفوظ ماند. زیرا مالک نفس خود بوده و از خط و جسدان خارج نمیشوم. فقط ثروت ندارم. چندی این طریال نبوده ام. از بیذل و صرف خود داری نداشته ام. و محتاج قابل من زیاد بوده است - من ذلك میجو وقت قهر نبوده ام. قرض بی عمل ندارم. حرقت و سلفی دارم که میتوانم یک خانواده را هم وقت بنان حلال بطور تحبیبانه و محرمه ولی قدری ساده اداره نمایم. علاقه ملکی من خلیل کم است. ولی ممکن است زن من با صرفه جوئی و عقل معاش خودش مرا - یعنی خودش را - مشغول سازد. در فورم لباس مقبلیستم. میتوانم بیل زیم فورم خودم را تغییر بدم: خردن و لجاجت قبیل من معروف است. و میتوانم در این اژشاسان

شوال نمایند - غیرت مذهبی من و دیانت حقیقی که در من سرشته است. در گذشته مرا از بی معاصی پرهیز داده و در آینه تیر پیرامون هیچ مصیبتی مجزاهم گشت - رشوه نگرفتم بوظیف و خوشنام خیانت نکرده ام. زور بار اجنبی نرفتم. دروغ نگفته ام. و این سنات و زبان از قبیل دروغگوئی، غیبت، تخریب، حاکم، بد دعوی، مردم آزادی، لجاجت، دورویی، غمازی، خیرکشی، پنهان بندی، گدائی، فداق، چاپلوسی، متصف نبوده و تا بحال با این معایب معرفی نشده ام.

عقیده ام در زانوشی این است که یک مرد و یک زن فقط - بی بیعت است که میخواهم در اختیار آن یک زن دقت کنم که فردا محتاج بتکرار آن نشوم - من هانقدر که بکرن را دو شوهر زشت میدهم، یک شوهر را بزنم زشت در نزد خودم فقط آید میباشم دیگران موافق دستور شرع امور آزادند ولی من غیر ممکن است. خودمرا حاضر نکسم. زیرا این راجع بقصد شخصی من است. و حق دارم پیش از یک زن نشنام. من زعمرا برای دو کار میخواهم. اول مشاهده دوم اداره کردن منزل - دوم

نشود. خاصه. و تکیه مطمئن شود که شوهری قهر نیست. خصایصی که میخواهم در زن من وجود داشته باشد: قریه نباشد. زیرا طبعاً از اشخاص قریه و لبنایکی - بانسی - کتو عطر ذوق و سقت استنشام می شود - ضعیف و غلب هم نباشد - از زلفی عصبانی می ترسم. زیرا خودم هم قدری عصبانی هستم. اگر چه ورزش شد عصبانی مرا از این منت خلاص نموده است. اما باز گمگام کند می شوم. بدین جهت زن فرق العاده عصبانی. ممکن است حفته بیکار لافاقت اوقات مرا تلف کند - به این معنی که لکنی از طرف او شروع ببلوغ و دهنم از او برودام. یک زن عصبانی. یعنی نیمه عصبانی و نیمه دعوی و خواص سینه پوست و خواص گندم کون یا سرخ پوست. کفایت است. که مبادی فیز بونی حسس مرا تلف نکند. بعد. سر او باید در خلای عصبانیت سایه زمان بزرگ و گردد باشد. بلا اقل پشانی او کشیده و بلند یا پهن و برجسته باشد. البته در زیر یک پیشانی بلنه باید ابروان باره

نشود. خاصه. و تکیه مطمئن شود که شوهری قهر نیست. خصایصی که میخواهم در زن من وجود داشته باشد: قریه نباشد. زیرا طبعاً از اشخاص قریه و لبنایکی - بانسی - کتو عطر ذوق و سقت استنشام می شود - ضعیف و غلب هم نباشد - از زلفی عصبانی می ترسم. زیرا خودم هم قدری عصبانی هستم. اگر چه ورزش شد عصبانی مرا از این منت خلاص نموده است. اما باز گمگام کند می شوم. بدین جهت زن فرق العاده عصبانی. ممکن است حفته بیکار لافاقت اوقات مرا تلف کند - به این معنی که لکنی از طرف او شروع ببلوغ و دهنم از او برودام. یک زن عصبانی. یعنی نیمه عصبانی و نیمه دعوی و خواص سینه پوست و خواص گندم کون یا سرخ پوست. کفایت است. که مبادی فیز بونی حسس مرا تلف نکند. بعد. سر او باید در خلای عصبانیت سایه زمان بزرگ و گردد باشد. بلا اقل پشانی او کشیده و بلند یا پهن و برجسته باشد. البته در زیر یک پیشانی بلنه باید ابروان باره

ماده کثر از مقدار مزبور بود غرق و ...
کلی بدون احراز موقتیت مورد حمله واقع
شدند. یک تنگی ملی گیری نیز غرق شد.
توسعه طیارات
حفاظت ذیل که باصلاح اداره حربه فرانسه
و سینه خاکست که آنها برای جلو گیری
از طیارات امریکا و امرسات ژوک متفقین
در آنچه چگونه اقدامات بعمل میاورند عده
طیارات جنگی آلمان در عرض زمستان دو
بار حمله شد و اداران که مشغول ساختن
سورود هند در تمام آلمان کار خانه های
خود را وسیع و کار گران را زیاد میکنند.
تا این قریه و اکتوبر ۲۹ کار خانه مهم
بهدن و سلوا مقدار کثیری سوخته و
بواد جنگی بکار خاتمت سویس دستور داده
شده است. عده کثیری طیارات سه نفری
که قوه هر یک سادل قوه ۲۶۰ اسب میباشد
بر کار ساخته شدن است و هر یک از آنها
بکوز او متشدد بود بم حمل می نماید و در
برض ۳۵ دقیقه دوازده هزار پا بلند می
نود طیارات جدید از انواع مختلف با کمال
حرارت در کار ساخته شدن میباشد و طیاره
جدید دستور داده اند که برای معارفت و
ساختن پاینده نظام بکار آید. یک طیاره
عظیم آلمان که برای براب کردن بس ساخته
شده و جدیداً در هلند فرود آمده دارای
استند الکتریک است که باسان ینا واقع را
ایجاد دارد. از همین حالا آنها بر عده
آسان پیاپی خودی افزایش مویجات تشویق
آنها فراهم میگرداند

وایرت اداره بحریه
بر حسب راپورت امیر البحری در ظرف
هفته اخیر ۲۱۲۴ کشتی وارد و ۲۰۹۱ خارج
شده اند دوازده کشتی بخاری که ۱۶۰۰ تن
بار کبر آنها بوده با شش کشتی دیگر غرق
شدند پنج کشتی مورد حمله دشمن واقع شده
اما اسبی باقی نماند کشتی ماهیگیری غرق شده است
جنگ توپخانه در ایبرس
ایلاتیه انگلیسی می گوید - در شمال
شرقی (ایبرس) جنگ توپخانه با کمال فعالیت
و سختی برقرار و توپخانه ما هنوز با کمال
شدت مشغول عملیات است
اخبار دیروز
روز دیروز و با اداره قرضه اهدان بیمه
انتشار یافت.

کروئشاد است بصرف آورده و از طرف
دیگر طرق و نقاط مهمه جنگی سر راه مسکو
را هدف حملات توپخوش قرار داده در یک زمان
می خواهند یک تیر دوشانه را بزنند و باصلاح
پتروگراد را با مسکو یکجا در تحت تهدید
قرار داده حکومت روسیه را از هر طرف
مستأصل سازند این است وضعیت استفاک
حاضرانه ما. در مقابل آن فرمانده کل قوای
جبهه غرب ما ژنرال (واووف) بمسوجب
یک حکم و ایلاتیه عموم افراد قشون را مستحضر
و مسوق ساخته که تا آخرین قطعه اسکان
مقاومت و ایستادگی کرده و در مقابل هرج و مرج
زمین روسیه متحمل هزاران فداکاری و جان
فشان شده نخواهد گذاشت که دشمن موفق
بر سر راه بشود و حتی عزم صاحب منصبان
و سربازان را دعوت باستقامت و فداکاری
و مدافعت نامه نموده می گوید که در این موقع
باید از روی منتهای عقل و حزم و احتیاط
رفتار کرده جواب کافی و لایق بدشمن داد
تا خصم بداند که روسیه قوه جبری نیست.
ولی متاسفانه این مواهید، تصمیم و قرارداد
ها بر بربط و بی اصل و اساس است زیرا که
مقاومت و مدافعت با آنها که در جوار دو
پایتخت و دوسر که مهم روسیه یعنی در پترو
گراد و مسکو بنای غایش و آزمایش جنگی را
گذاشته اند فقط قوه و استعداد جنگی وار دو
های نظامی صحیح می خواهد که از ما مقود
و نه آن غیر ممکن است

روسیه میخواهد صلح بکند
روزنامه (روسکوبه اسلو) خبر میدهد که
حکومت موقتی مسئله صلح را این شرط برودگرم
خویش قرار داده و قبل از تصفیه و حل سایر
مسائل سیاسی خارجی و داخلی در موضوع صلح
و خاتمه جنگ داخل مذاکرات مهمه خواهد شد
زیرا که هیئت دولت بخوبی مسوق و ملتفت
شده اند که جنگهای حاضره سرمنشأ هموم
فلاکت و بدبختی های روسیه و منیع کلیه مخاطرات
و بیبرانهای حایه مملکت مزبور بوده و جز از
افتاد صلح و دست کشیدن از جنگ چاره برای
اصلاح اینهمه معدرات و رفع مخاطرات ندارد

وین حاصل کرده است که هرگاه بزودی صلح
تفاهد روسیه را بر ابدی هلاکت و اقراس سوق
خواهد داد و بدینجهه برای حصول و وصول
صلح حکومت حاضره دوبار پتروگراد و باصلاح
زمانداران حایه دولت جمهوریت نام روسیه
تصمیم کرده اند که زهر گونه اقدام و جانفشانی
فروگذاری ننموده و صلح را مستر سازند زیرا
که منتهای آسأل و مقاصد عموم ملل و اقوام
روسیه امروزه فقط ترک مخاصات و اقتصاد صلح
است وین.
از خطوط جنگ خبر میدهند که اوضاع اردوها
خیلی مشوش و یک هیجان و اختلال عمده در
کایه جبهه ها حکم فرماست خصوصاً شایانی که
این ایام در موضوع صلح در میان قشون انتشار
دارد بیشتر از سابق بر اضطراب و اختلال اردوها
افزوده و نمی توان بعدها دیسیپلین را بر قرار
نمود زیرا که عملیات و اقدامات قشون دوس
حایه ثابت می کند که افراد سربازها و صاحب
منصبان لیاقت حربی و قابلیت نظامی و اندر اند
بصیرت

خواطر و آراء

کلمات بزرگان خورد است و کلمات خوردان
بزرگ یک مرد بزرگ کاری که کرده است
نمیگوید. و کاری که خواهد کرد باز نمیگوید
و اگر از آندو کار پرسند یکی را عین واقع و
بدون اغراق و تکرار دیگری را جزئی از مقصود
پاسخ میدهد.
ولی مرخصورد آنچه کرده است پارسیده میگوید
بامزادان اغراق و شاخ و برگ و آنچه نکرده
است نیز و آنچه هم دیگران کرده اند بخود
نسبت میدهد.

باید جهد کنید که در انقلاب نیفتد، و گوی
که اقتاید هر چه بیشتر دست و پا کنید بیشتر
آرده خواهید شد.
فراموش شدن اجتماعی جهد میکنند که هر
شکلی هست خودشان را یاد آوری کنند -
آری نباید فراموش شدن اجتماعی یاد آوری
کرد باید آنها را متروک گذاشت تا متروک بمانند

روستایان چنان معامله کنید که گویا روزی دشمن
خواهند شد و بادشمان ملوری رفتار کنند که
گویا روزی دوست خواهند شد.
اگر در یک روزنامه است شرح زندگانی خصوصی
یک مرد بزرگ بایک پادشاه بدون سابقه و تناسب
و از روی بی اطلاعی نوشته شود چند مورد
خشم او خواهد بود همان درجه دلایل و
براهینی که ما مردم با عقل های کوچک خودمان
در ازلیت و ابدیت و کبریائی واجب الوجود
ایراد میکنیم، باعث خشم خداوند خواهد بود.
م. ب.

وضعیات مصر
در موضوع حرکت حربه و نایشات جنگی
مصر از لندن اطلاع می دهند که در اوضاع
فلسطین تغییرات مهمه اتفاق نیافته و فقط
در جوار (ها آره) حملات دشمن را دفع
نمودیم رکها منتهای فعالیت را بخرج میدهند.

مطبوعات خارجه

مسکو در تحت تهدید آلمانها است
اخبار متواتره که از آلمانزوری کل
روسیه وارد می شود آلمانها مشغول مذاکرات
مهمه بوده تصمیم کرده اند که آخرین ضربه
خود را بشهر مینسک وارد آورند و اگر
باین کار موفق شده شهر مزبور را بیخه
تصرف میاورند شهر مسکو در تحت تهدید
سخت آلمانها واقع خواهد بود و از قریب
وضعیات چنین معلوم می شود که قایک اندازه
آلمانها احراز موقتیت کرده و عقرب دست
تصرف روی شهر مینسک خواهند گذارد
زیرا که ما قوای دفعیه کامل نداریم و باین
استعداد و مهیات جنگی ممکن نیست بتوانیم
از حملات قویه خصم جلوگیری نماییم پس
باید مینسک را گرفته شده و مسکو را در تحت
تهدید واقع گشته تصور نماییم.
دولت آلمان و عبارته اخری مارشال
هیندنبیرک گفته خود را در فروروت روسیه
کاملاً بموقع اجرا گذارده از یکطرف در
دریای بالتیک داخل عملیات و اقدامات مجددانه
شده خلیج ریکا را با انضمام جزایر (اوزل)
(داکو) که حقیقتاً کلیه دریای بالتیک
و مرکز عملیات بحری در خلیج فنلاند و پیشگاه

گشته سیاه و چشمان سیاه کبود راق
طواران (نگردد و درشت و بارز) و بیلی
پوشی بینی راست بدون خمیدگی و لب های
سلی و جان باریک قدری کشیده که
باصحیح یک صورت بیضی حسانی را تشکیل
دهد و وجود داشته باشد - من از صورت
مالی گردد که بکرة ماه شبیه باشد. بدم می
آید. غالباً در صورت کرد شعور یا حساسیت
کثر یافت میشود.
صورت دراز هم چون قهرآ باشد
نراز و گردن دراز. و انگشتان و باهای
دراز توام خواهد بود. جنادات پندیده
بست.
در زیر یک صورت بیضی و حیه بیفتد
بارز و سرگرد. یک گردن مناسب که
گروه نیاشد. چند دراز خواهد بود.
خصوصاً هرگاه یک سینه بن یا لاقول مو
بازوی قوی و شکم کوچک آن سر و گردن
داوایه بیند.
آری شکم بزرگ. در زشت عیب
بزرگ. و دو مرد نیز بدبختی است. کف
مست ناکر در دراز. بلکه مناری و باصلاح
طنای نیز بپوشی (مست های مخروطی)

روسیه میخواهد صلح بکند

روزنامه (روسکوبه اسلو) خبر میدهد که
حکومت موقتی مسئله صلح را این شرط برودگرم
خویش قرار داده و قبل از تصفیه و حل سایر
مسائل سیاسی خارجی و داخلی در موضوع صلح
و خاتمه جنگ داخل مذاکرات مهمه خواهد شد
زیرا که هیئت دولت بخوبی مسوق و ملتفت
شده اند که جنگهای حاضره سرمنشأ هموم
فلاکت و بدبختی های روسیه و منیع کلیه مخاطرات
و بیبرانهای حایه مملکت مزبور بوده و جز از
افتاد صلح و دست کشیدن از جنگ چاره برای
اصلاح اینهمه معدرات و رفع مخاطرات ندارد

وضعیات مصر

در موضوع حرکت حربه و نایشات جنگی
مصر از لندن اطلاع می دهند که در اوضاع
فلسطین تغییرات مهمه اتفاق نیافته و فقط
در جوار (ها آره) حملات دشمن را دفع
نمودیم رکها منتهای فعالیت را بخرج میدهند.

روزنامه

روزنامه (روسکوبه اسلو) خبر میدهد که
حکومت موقتی مسئله صلح را این شرط برودگرم
خویش قرار داده و قبل از تصفیه و حل سایر
مسائل سیاسی خارجی و داخلی در موضوع صلح
و خاتمه جنگ داخل مذاکرات مهمه خواهد شد
زیرا که هیئت دولت بخوبی مسوق و ملتفت
شده اند که جنگهای حاضره سرمنشأ هموم
فلاکت و بدبختی های روسیه و منیع کلیه مخاطرات
و بیبرانهای حایه مملکت مزبور بوده و جز از
افتاد صلح و دست کشیدن از جنگ چاره برای
اصلاح اینهمه معدرات و رفع مخاطرات ندارد

نازه لازم زن گرقن را می توانم در جلود
احساس نمایم.
اسرار خارم که منت لاس را تمام
کرده باشد. چند زبان بلد. ساز بزند.
خبر اینها را باین که جزء عملیات زن دانسته
و شاید جلودم باو پیاموزم. ولی زن من
عبور بست این چیزها را دانسته باشد.
پلکه او قارسی را دوست بنویسد. ادبیات
بداند. تاریخ بداند. سیاست بداند. حفظ
الصحه بداند حیاطی و طبعی و شیرینی بزی.
واعمال بدی مختص زنان و اناملا دارا باشد.
این صفات. همه جا یافت میشود. ولی آنچه
قدری مشکل است - اخلاق خلواته است
که باید در خانه تربیت شده باشد. که مادرش
حاله بوده و پدرش بکسب روسای و پیشرفتی
نان در آن خانه لیاروده باشد - در میان
سه چهار زن پدر بار نهد. فحش بداند
باشد. مور غرضانرا بداند از کس خلد
و مادرش. دزدی نداند چیست. و تصویباترا
لکنه که ممکن است. بگرن چیزی از کسی بر
دارد و بار نکوید و بدون اجازه او بصرف
برساند. میدگونی از مطهرهای حسابه.
غیبت از زن عموها. دختر خاله ها عادت

رحیم. عقیق در عشق. دارای صنایع
مستطرفه و لایق قاشی. خیاطی. موسیقی.
و خط و غالب اعمال بدی و دارای ذوق و
سلیقه.
قدش اگر کمی بلند ولی متناسب باشد.
برای من مطلوب است. زیرا قد خردم هم
کوتاه نیست.
رنک موهای آزاد خواهد بود.
زیرا هر موئی مواخلاق دارای تأثیراتی
است. که من دوست دارم - فقط سفید
نباشد!!!
من این زن از ۱۶ سال نباید کمتر
باشد مگر دختری که بخواهد هر آن سن معنی
کلمات مرا بفهمد و مثل من چیزی بنویسد -
آری زن من باید درس خوانده و چیزی نویس
باشد. و بتواند با من مکاتبه نماید. و بفهمد
که من چه مینویسم.
این که نمی گویم از بیست متجاوز
باشد. رای این است که چهل زنی بیست
سال یا زیاد تر بجه نمی ماند. و الا برای من
تا ۲۱ یا ۲۲ سال اهدت نخواهد داشت.
زیرا خردم با این که سه دو سال دارم.

داشته باشد - و اگر نبود دست گردد و
انگشتان کوتاه کلفت بهتر از انگشتان نوکدار
تاخن نیز خلیل دراز است.
عیب ندارد. انعام دست و پا برای
اطلاع بشماره:
۱) مربع - کف دست گردد و بر
گوش انگشتان نیز کوتاه و کلفت. و ناخنها
پهن و کوتاه.
۲) محد - نوکدار - کف دست
دراز انگشتان دراز کم گوشت. باریک
گاهی کج و خنار. ناخنها مثل پیکان
تیر. سه گوش و نوک نیز.
۳) مخروطی - له کرده دراز.
انگشتان کلفت با باریک. نه پند له گویا.
تاخن ها چهار گوش ولی اندکسی
مستطیل.
دست اول. سیور شدید الاراده پشت
کار دار. متین و استقامت.
دست دوم: بی سر ضیف الاراده
متلون. سبک مغز. حسود. بدبین. شد خو
و بر شوشت.
دست سوم: حساس. رقیق القلب.

کف دست گردد و انگشتان کوتاه کلفت بهتر از انگشتان نوکدار تاخن نیز خلیل دراز است. عیب ندارد. انعام دست و پا برای اطلاع بشماره: ۱) مربع - کف دست گردد و بر گوش انگشتان نیز کوتاه و کلفت. و ناخنها پهن و کوتاه. ۲) محد - نوکدار - کف دست دراز انگشتان دراز کم گوشت. باریک گاهی کج و خنار. ناخنها مثل پیکان تیر. سه گوش و نوک نیز. ۳) مخروطی - له کرده دراز. انگشتان کلفت با باریک. نه پند له گویا. تاخن ها چهار گوش ولی اندکسی مستطیل. دست اول. سیور شدید الاراده پشت کار دار. متین و استقامت. دست دوم: بی سر ضیف الاراده متلون. سبک مغز. حسود. بدبین. شد خو و بر شوشت. دست سوم: حساس. رقیق القلب.

نکرده باشد. هرچه قالیکی بشی شکسته مقدس
باشد. بهتر و در نظر من مقدس تر و عزیزتر
خواهد بود.
عفت خلود را از جان خود بیشتر دوست
داشته باشد. و اگر قدری مسک صرف جو
باشد. نور علی نور!
و آنچه من ابد آن ذکر می نمیکم. حسب
و نسب. و زوت و جزبواست.
زیرا اینها. هیچوقت قادر نخواهند بود که
مطایب زرا بوشانده و یا جزیه حسانت زن
واقع شوند.
زن خوب ملل شر خوب است که هرچه از
حسنت بدیده. و رموزات معانی بیانی و پیوند
های علمی منز و باشد. طبیعی تر و قلب
و روح زودتر داخل خواهد شد.
ثروت و مکتب زن. با قلب او همراه
بخانه شوهر می آید. هیچوقت چهل قلبی
بسان مجذوب قلب شوهر نخواهد شد زیرا
قلب هر چه سبکتر باشد. سبک سیر و
است. من این زن را میتوانم بشناسم و با او
بتوسط این اداره روزنامه مکاتبه کنم. و
سپس در مکاتبه شرایط خودمرا با او
مکتب. امضاء (مفکر)

کلمات طيبات

- ۱ - دانا بدل آن بند که نادان بدیده
- ۲ - خلوص محققین سفت مردان شجاع
- ۳ - هر عالم تنها یکفر است که میباید به
- ۴ - محبت نفس ستم و آن خرد ستم (استولتن)
- ۵ - محبت نفس بستم غفلت از نفس نا
- ۶ - برای وطن مردن چه نیکوست...
- ۷ - لیکن برای وطن زیستن نیکو تر است.
- ۸ - عزت نفس معرفت نفس است.
- ۹ - این سه دستور رهنمای مردان که بر قوای خود سلطنت کنند.
- ۱۰ - آینه بدانی که تو میکل خدائی!
- ۱۱ - روح آلهی مردل تو جای گزین است!
- ۱۲ - اگر در بی شهوت هوا خواهی رفت از من خبرت که بیلوا خواهی رفت میدان چه کسی و از کجا آمده.
- ۱۳ - زین به چه میکنی کجا خواهی رفت (خلیام)

خدیو مصر سلطان حسین کمال وفات کرده و قوت مشارالیه در سیاسیات دولت انگلیس راجع بصر تغییرات مهمه را وارد آورده است سلطان حسین عموی خدیو سابق و حقیقی مصر عباس حلی پاشا را انگلیس ها غاصبانه بحدیوبت مصر منصوب کرده و لقب سلطانی بمشارالیه داده بودند ولی تأسفانه بقار دوامی پیدا ننمود و حالیه در بار لندن برای این مقام شایسته باین زودی مثل سلطان حسین کمال پیدا ننگند. (آجیب سوز)

از جراید فرانسه

نطق شانسلور امپراطوری آلمان

در مجلس رایشستاگ
 افتخار دارم در حضور محترم نمایندگان شهنواز اوضاع حاضر سیاسی و از سنوئلیت سنگینی که در ایستوق بحران آمیز بدوش من گذارده اند ذکر و اظهار بلام . بوم و عنایت الهی و باستناد انکی قوه دولت امپراطوری آلمان بدون هیچگونه ردیدی این وظیفه مهم را قبول کرده با یک فعالیت و فداکاری نامی در انجام وظایف خود سعی طوایم بود ما باید در مقابل حوادث مهمه سه ساله که تیت صحیف تاریخ عالم خواهد شد با کمال شجاعت و بود برای رفتار کرده و تا آخرین قطعه امکان باید زلزل و اضطراب نمود راه دعیم و جنبانیه با مجال در مقابل این همه محنورات مقاومت نامه مخرج داده اید بعد ما هم نباید تصور قوتی ابراز نمائیم . بجهیزات سری دولت روس از روز اول تا بتمام اطریش به سرب که برای آلمان مخاطرات مهمه تولید می کرد ما را مجبور ساخت که اسلحه بدست گرفته از حقوق و حیثیات خویش بماندیم .

اشتراک یک کنفرانس تصادفی ایام بجهیزات سریه و بجهاد روس در حکم یک جنبانیت سیاسی بود و انگلیس جنبانیه متنوعیت کتاب آبی ساک و متنوع است بیچوجه در موضوع بجهیزات روسی اقدامات تسمود و توضیحاتی نمواست در سوئیکه دربار لندن بخوبی سبوق دسترس بود که اعلان بجهیزات روس و

دموت عموم اهالی و افراد قشون از احتیاط و ردیف و فطیره به تحت اسلحه دولت آلمان را و اداوار جنگ خواهد نمود و از ورود آلمان به جنگ چه مخاطرات و چه بحرانیات و خطری از افق اروپا ظهور خواهد یافت با وصف این با یک نظر لایقانه با اوضاع مذکور نگرینته ایداً این سده بیانشاد سکه بدبار پلر و کرداد یاد داشتی فرستاده کتب اطلاع نموده و از علل و موجبانی که روسیه را مجبور بایجاد این خابیر مؤثره کرده است استقار نماید . سلف من (بتمان هولوک) در تحلیلانی که در ۲۹ ژوئیه ۱۹۱۴ داده بود اجازه می داد که سیر روس مقیم دوبار در اظهار و اعلام دارد که ما حاضریم که نسبت به مقدم خویش همه قسم مساعدت و موافقت نمائیم ولی نمی توانیم خود را بیک جنگ بی اللیل سوق بدهیم برای آنکه دولت اطریش و مجار از بیروی نصایب و تحقیر تبلیغات ما استکلاف و روژید . و مسلماً یک شخص دلیلی که خلیانیت اشتغال تازه عبارات عمومی و عالم گیری باشد یک همچو تبلیغاتی نمی دهد و این تقریرات و دستور العمل ها از زبان و کله یک شخصی صادر می شود که در نگهداری صلح اقدانات بجدانه میقول دارد

تمرکز و تحشد قوای روس شمشیر بدست آلمان داد و مارا مجبور نمود که در عبارات حاضره داخل هم قسم حملات شده و جنگهای تحت البحری را با کمال شدت جز و نمایشات عبارات حاضره قرار دهیم

ما اقرار داریم که جنگهای تحت البحری سدمه و لطمه بزرگی به حقوق و قوانین بین المللی وارد آورده مخالف عالم تمدن و انسانیت مناظر فجیعی تولید خواهد کرد ولی چه باید کرد که انگلیس این اسلحه مدممه را بدست ما داده انگلیس بدول بیطرف قدس نموده که روابط تجارتی ، اقتصادی خودشان را با آلمان مقطوع سازند ، انگلیس اعلان محاصره بحری سواحل آلمان را داده و ما را مجبور ساخت که با مدعی ترین وسخت ترین اسلحه مقابله و مقاومت نمائیم

در موضوع تحت البحری و وارد کردن دولت آلمان این قوای دعشتناک را به میدان جنگ دکتر میکائیلیس مستشار کل امپراطوری اظهار داشت که ما این اسلحه را فقط برای مدافعه خویش بکار برده و مسلماً در مقابل اعلان محاصره بحری انگلیس و اقدامات بجهاد ایشان چاره جز از استعمال این اسلحه نداشتیم و بیلاوه حالیه تصدمن این است که رشدت اقدامات و حملات تحت البحری ما افزوده و بیسی آنها را در کلیه بحار و دریاها تسلط سازم که تمام دول علاقه مند را در روابط و سیاسیات بحری گرفتار محنورات و اشکالات بکنم که قهرآ تا جبار بصلح باشد و ایداً گوش و اعتنان بظهورات دول از متفق و بی طرف نخواهد داد .

این درام ننگته نمی گذارم و خاطر نمایندگان را می خوام کاملاً مستحضر سازم که تحت البحری های ما عده و مقدار مهم ستاین لحم را از جنگی ، تجاری و حل و نقل خرق نموده و خسارت فوق العاده که چندین سال نمی توان سیران کرد بدوشن وارد آورد و حتی بر حیات اقتصادی و تجاری انگلستان که به قوای بحری و سیادت دریائی خویش متروک بوده و آن را غیر قابل ترضی می دانست سدمه و لطمه بزرگی وارد آورد بوسی دربار لندن را مدف تجارزات تحت البحری و سدمات و خسارات فوق العاده قرار داده ایم که اگر جنیدی بدین ترتیب

بگذرد انگلیس از مدارست و تحقیر جنگ ماجر و ازجبت قوه بحری شریف و مقهور گفته صلح مجبور خواهد شد

اما در باب قوای دری و بحری و آزادی های جنگی ما هر چه اظهار نمائیم باز عسری از اعتبار را نمی توانیم شرح بدهیم مبنی بر حست که قشون رشید ما در تحت فرماندهی ژنرالهای عالم و فرماندهان غیور و وطن پرست ما در جریان سه ساله محاربات حشره خندان که بمرج داده و چاهشان هائی که بر خود عمیل نموده اند حقیقتاً فوق طاقت بشری و بزرگترین سر مشق و بهترین آثار فداکاری در مدافعه حقوق و حیثیات وطن و اهالی و وطن است آنگون این همه موفقیات و قوسات شایانی که نصیب ما شده در سایه همین قشون بود و در ضمن از معاوات و مظاهرت متحدین خودمان هم بی اندازه تشکر و امتنان را داریم که در این موفقیات ما رشادت و فداکاری ایشان هم علاوه مند بوده است بیچاره اطری آلمان و متحدین او وظایف خود را کاملاً با احراز قوت و فیروزی بجا آوردند و در صحیف تاریخ نام و شرف بزرگی کتارند و بخلاف متفقین که تصور می کردند که بعد از متلوب و مقهور ساختن ما صلح را متفق سازند ما باراز قوت و علو همت پیشنهاد صلح را در عین موفقیت نمودیم و حالا دول متفق بقیه کردند که چاره جز از صلح ندارند ولی متأسفانه بین خودشان رقابت و حسد و اوضاع آتیمه سیاسی مانع ب حصول ائتلاف و سازش بوده و اصطلاح انگلیس و فرانسه روس را و انگلیس و فرانسه سایر متفقین را و فرانسه و ایتالیا انگلیس را و قس علی هذا میبخوانند وجه مصالحه این جنگ حاضر قرار دهنده خودشان را سالم از میدان خارج سازند و همین جهت بیکدیگر را تشریح به تعقیب و امتداد عباراتی که بیچوجه قوه و استعداد و مهمات آن را ندارند می کنند آنگه یکی از این مقهور و مستأصل گفته فدای افراش آنها شود . (نان)

واردات اداری

گذارشات گردستان
 اوضاع عمومی فوق العاده وقت انگیزاست مسئله اوزق و کثرت جمعیت نهایت درجه کسب اهمیت نموده بواسطه کثرت جمعیت و عزت ارزاق گندم در خردواری پنجاه تومان معامله میشود - هر چه انبارت کهنه و محصول هدیه البته جمع میشود از طرف قوای متوقفه تصاحب شده معلوم نیست درجه سیه چالی فرو میرود . از طرف دیگر قترای بدینت و گرسنه در معار عمومی بحال رقت انگیزی فریاد الجوع میزند طرز معامله مهمانان هم طرف مقایسه با معامله سایر نقاط ایران نیست در ۲۵ رمضان کلیه بازار غارت و دزاقی کسبه و تجار و اصناف را تماماً ریضا برده اند . دهات سرچاده و واقع در خط حرکت اردو همگی خالی السکه ، زراعات آنها لنگ کوب و طعمه چار پایان حامل لوازم اردو گردید . خانهای شهر نامی تقییش شده غالباً گندم و جو بیک بدست آمده تصاحب شده است ۱۱۱ مدق است کنگل زاخار جنگو ، آمور پشیک دولت بهیه باقتضای سهراب زاده از خط کرمانشاه وارد شده و برای حل و فصل مسائل جاریه وجهی ارزاق و گندم کسببون غنظلی از غنایزدگان کتبه سر بازار و چند نفر از اهالی شهر منتقد ساخت هر قدر کردستان

ها بتقاضای مهمانان مساعدت و همراهی نمودند در مقابل بکفتم مساعدت و موافقت نندیدند بالاخره با احساس مشکلات لاینحل کسبون مزبور را با استغای خود منحل کردند ثانیاً از طرف نظمییه دعوتی از عموم اهالی شده که در مسجد جمعه حاضر و انتخاب مجددی برای عضویت کسبون می بود بعمل آورند هیچکس حاضر نشد و کسبون بحال الحلال باقی ماند . در این ضمن از هاشمیر حسودی دعوت میشد که در یک مجلس عقد اتحادیه بنده و تنها امیدواری ماهمین عقد اتحادت خلی جای ناست است از یکطرف اینذکرات دوستانه و ظاهر سازنها میشود و از طرف دیگر نمایندگانی اینان با اتفاق میرزا سعید پسر صدیق دیوان و دو سوار امنیه در قروه بدست سر بازاران قطعه قطعه میشود . بی بیچاره میسو سیت نمایندگانی اینان پس از تحویل گرفتن تعدید برای وارسی بتریاک کاری استقد آید در معیت میرزا سعید که در آنجا مستخدم شده بود و دو سوار امنیه عازم قروه میشوند در حوالی دیوه زن موقعبکه بزراعت بریاک رسیدگی می کنند بعلت غیر معلومی هر چه بار نفر را گرفته بقروه می آورند و آنها را بصورت بسیار فجیعی بقتل میرسانند عجیب بر اینکه از آوردن نش گویا ممانعت نموده اند چند روز است کاری و مال فرستاده اند نش میرزا سعید را میاورند تا کاذبن خبری نیست این طرز معامله امثال و نظائر بسیار دارد و منحصر بیک نیست . بالاآز همه این مصائب و بدبختی جریان سانور است که بادست زور مند خود گوی ما را قشار داده که بنگذارد بکشیدن آهی هم سوزش درونی خود را تخفیف دهیم

آثار ادب

برای ققرا

(از آثار قلم و ریکتور هوگو)
 ای اغنیا ای خوشبخت عالم ، در موقع مهماییه زستانی ، در آن شبانیکه مجلس رقص بر پا و شارا از روشنائی مفرق میدارد . در آن موقعبکه ، بلور آئینه ها ، شمعها ، شمشهها خوشحالی و رقص بر شاو روشنائی میافکنند ، در آن اوقاتی که صدای سین ساعت را ساز و آواز میبوشاند آیا آفتبری که با گرسنگی دیده زده و در شوارع تاریک سایه های شارا از پشت شیشه بنگردد عموماًطر میاورد ، آیا میباید آن مسکینی که در این شب زمستانی ، مورد حلات رف و ریخ و سرما واقع شده بدری است بکار که گرسنگی او و خانواده او را محصور میسازد ؛ آیا میشود او را که میگردد : «چقدر تمول برای بگنفر ! ... چند نفر دوست آیا از شبانته او منتفع میشوند ؛ این متمول خوش بخت است . زورا اطفال او بشاشه بار تقسیم مینمایند . . . آه . . . قیبت اسباب بازیهای همان اطفال ممکن است نان چند روز اطفال مرا آمین نماید . . . » بعد او (قبر) در درون یاس خود امانترا که هیچوقت در آن شعله نمرخشیده است ، اطفال گرسنه و مادر رهل ، آهارا ، و مادر بزرگ پیرا که در روی مثنی کاه غلوده است بشفقت شما مقایسه و آه . فرد نای از سینه خارج میشود . خداوند تقدرات بشر را مختلف و درجه برای آنها خلق کرده است یعنی در زیر بار و رفیع کار کرد او خ نموده و بر طبق فکر در

نارنجست مستغرقند - آری سده مضروب مجلس سعادت هر حدود و نشین کلمه آن مجلس سعادت کاوونکه بظلمه استانان آرد و ظالم میناید یعنی میگردد : (از هر انظار عالیله) و به برسی دیگر امر میکند (حسد برید)

اغنیا ، سده ، بعید . . . وقتیکه هر چه روی آستانه خانه شاپا بدین مقلوب از سرما برآمده مینماید ، وقتیکه جهانی گرسنگی با شمشای قهر خورده حسی شبانته شارا جمع مینماید (افسوس) خداوند از شارا روی و مینماید . سده بعد بعد برای اینکه نظر مرحمت خداوند بر شالاییده به بر مایان قوت و سلاستی مزاج را اعطا نماید ما حاکم که بدبختانان و اجنت را اعطا فرموده است . . . سده بعد بعد میوه و زرشین و انبارهایان از غله ملو شوه سده دیدنا تا اینکه قرا بگویند (بر ما تر حنود المیز) و بخشش نمایند تا قیری که معلوم از طرف موزر ملجمد شده است بکسبی که در مقابل شایسته شارا راج میرد یا سناست قصر شارا که سده آئیزی بیاکنند!

ادبیات

از مشهد
 بمنابت اوضاع امروزه
 هستی کشور فساد در خطر امروز
 شاه ندارد مگر زما خیر امروز
 سابه فکن ای ها که بوم جهات
 کشور ما را گرفته زبر پر امروز
 دست بداسان هر کسی زده بینم
 تنگ یست بقتل ما کمر امروز
 آنکه بشمشیر خون ریجران بخت
 نام (دموکرات) را کتسیر امروز
 خلق از ایان برج و ویان خود را
 کرده حمایت بلام و بجر امروز
 یاد صبا گو که : « از نفاق بچیریم »
 کر بر مملکت کنی گذر امروز
 وقت غنیمت شمر که از بی اصلاح
 وقت شاهد ندیده : مگر امروز
 خسری کشور و رفاه رحبت :
 در کف تیغ داز و ترک سر امروز
 گریه وزاری مکن که در دل ایقوم
 گسریه وزاری نمیکند اثر امروز
 از از سوز آه نیشب ساست
 برن خصم او فساد گرشور امروز
 (مشهد - محمد دقن)

شرکت مطبعه (بوسفور)

توضیح و تکذیب
 خدمت مدیر جریده زبان آزاد اطلاع از خدمت میدهد اینکه در شماره ۳۳ مورخه ۳۳ صفحه اول ستون ۳ در تحت عنوان توقیف ذغال مندرج شده توضیحی در تکیه ایها در پیشانیه اول ۱۳۱۳ بار ذغال باداره برده نشده تقریباً معادل صد بار است آهم مطابق کثرات موجود در اداره اینقدر را شرفدار هار شایسته و بیل و شانات بیکدیگر فروخته و دره هارا هم بخر کرده و رئیس ایل هم امضا کرده است و چه آنرا نیز قدا دریافت داشته اند تا بر این ابدان بصلیب بانجاناب و ناصر حضور مبروط بوده است آرم تمام